

مسائل چند جانبه گرایی

«تئوری و عمل نهاد گونه»

John Gerard Ruggie (e.ditor),
*Multilateralism Matters: "The Theory
and Praxis of an Institutional Form"*,
Columbia University Press/ N.Y. 1993,
pages, 479.

عنوان کتاب را می شود به دو گونه ترجمه کرد. «مسائل چند جانبه گرایی» و یا «اهمیت چند جانبه گرایی» که هر دو از مباحث مطروحه در کتاب است.

این کتاب، به پنج قسمت ظاهراً مستقل، ولی در عمل وابسته به یکدیگر تقسیم شده است. (۱) مفهوم؛ (۲) مباحث تئوریک؛ (۳) محتوای داخلی؛ (۴) تحول بین المللی؛ (۵) بازگشت و تأکید مجدد بر تئوری.

چند جانبه گرایی در سالهای پس از فروپاشی شوروی سابق اهمیت ویژه ای یافته و به طور جدی در روابط بین الملل مطرح شده است. هنجارهای چند جانبه گرایی و نهادهای سازمان یافته (انسجام یافته) موجب

شده اند که در پی بحران پس از فروپاشی شوروی، ثبات برقرار شود. در حقیقت، هنجارها و نهادهای مزبور، به ایفای نقش مهم خود در اداره تحولات گسترده منطقه ای و جهانی، در نظام موجود بین المللی پرداخته اند. هم اکنون حداقل پانزده گروه چند جانبه گرا در تعیین سرنوشت قاره اروپا دخالت مستقیم دارند. اتحادیه اروپا، در حقیقت، سکان روابط اقتصادی و به طور فزاینده ای نگرش سیاسی مشترک در جهان غرب تلقی می شود. کشورهای اروپای شرقی نیز در تلاش مداوم و وافر به منظور پیوستن به اتحادیه اروپا بوده و سیاست الحاق را در رأس امور خود قرار داده اند. (به طوری که سرنوشت خود را در الحاق به اتحادیه اروپا و خانواده بزرگ اروپایی گره زده اند). الحاق به سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز به شدت مورد علاقه کشورهای اروپای شرقی است که به تدریج در شرف تحقق است. روسیه نیز علی رغم مخالفت های سمبولیک با تشکیل سازمانی قوی در اروپا - که خود نیز سهمی از آن داشته و در امنیت منطقه دخیل باشد و در عمل، راه را برای نوسازی و بازسازی اقتصادی این کشور هموار کند -

تجارت جهانی، به طور دایم از نرخ رشد در تولید جهانی بیشتر بوده است. از طرف دیگر سرمایه بین‌المللی که موتور حرکت توسعه اقتصادی است، نسبت به هر دو نرخ مزبور موقعیت مطلوب‌تری داشته است. همچنین، ترس و نگرانی از اینکه منازعات تجاری آمریکا و ژاپن، روابط دو کشور را در

وضعیت وخیم‌تری قرار دهد، به واقعیت مبدل نشده است و دو کشور، سیاست خود را بر مبنای حفظ روابط حسنه ادامه داده‌اند. رژیم کنترل هسته‌ای (معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای)^۲ نیز موفق به جلوگیری از گسترش قدرت هسته‌ای در جهان شده است، در حالی که پیش‌بینی می‌شد در پایان قرن حاضر، بیش از بیست کشور اتمی در جهان وجود داشته باشند.

تمامی مسائل گفته شده، ناشی از حاکم شدن تفکر چندجانبه‌گرایی و جهانی شدن تدریجی نظام بین‌الملل بوده است و نهادهای چند ملیتی با خصوصیت جلب همکاری و توسعه در نظام بین‌الملل به شدت مطرح شده‌اند. «روبرت کیوهین»^۳ که مقالات و کتابهای او در زمینه

مخالف نیست. پیوستن عملی روسیه به گروه هفت کشور بزرگ صنعتی، دقیقاً در راستای همین چندجانبه‌گرایی است، زیرا می‌داند این مسئله در سطح جهان رونق بسیار یافته و به طرقتی آینده جهان را رقم خواهد زد؛ جهانی که هر روز در حال تبدیل شدن به دهکده کوچکتری است.

در آسیا نیز سازمانهایی مانند «اگو» (سازمان همکاریهای اقتصادی) - متشکل از ده کشور «آسه‌آن» (سازمان کشورهای آسیای جنوب شرقی) - متشکل از هفت کشور از کل ده کشور منطقه جنوب شرقی آسیا و تلاش در جهت جذب تمامی ده کشور در آینده بسیار نزدیک، چندجانبه‌گرایی را به عنوان اصل برتر در نظام بین‌الملل حاکم کرده‌اند. تشکیل «مجمع امنیتی آسه‌آن»^۱ در سال ۱۹۹۳، متشکل از ۲۱ کشور، در جهت حفظ امنیت منطقه جنوب شرقی آسیا در همین راستا قابل ارزیابی است.

از جنبه اقتصادی نیز علی‌رغم نگرانیهای بیست سال گذشته، مبنی بر اینکه رقابت شدید اقتصادی بلاشک وضعیت دهه ۱۹۳۰ در جهان را تکرار خواهد کرد، این اتفاق رخ نداده و نرخ رشد در

چند جانبه‌گرایی، نقش پیش‌قراول را داشته است، چند جانبه‌گرایی را عمل هماهنگی سیاستهای ملی در قالب گردهمایی بیش از سه «دولت-کشور»،^۴ خوانده است.

نویسندگان کتاب حاضر که افرادی از قبیل «لیسا مارتین»، «فردریش کراتوچویل» و «جیمز کاپوراسو» را شامل می‌شود، این گونه استدلال می‌کنند که خصوصیت بارز نظام سازمانهای بین‌المللی و شکل و حالت چند جانبه‌گرایی آن در روابط بین‌الملل مورد عنایت قرار نگرفته و از تحلیل درست و مطابق با اهمیت خود برخوردار نیست.

مسائل «یا اهمیت» چند جانبه‌گرایی با مراجعه به تاریخ «کنسرت اروپا»، بنیان تاریخی چند جانبه‌گرایی را استخراج و سعی کرده است تا نشان دهد که چگونه بنیانهای مزبور به تدریج نهادینه شده و در آینده نقش بسزایی را در تحولات پس از پایان جنگ سرد ایفا خواهند کرد. در حقیقت، کتاب مزبور در جهت مقابله با جبرگرایی شرایط ساختاری و عملکردگرایی به رشته تحریر درآمده است.

در بخش اول، «جان جرارد رُوگی» که در واقع مؤلف و ویراستار کتاب

«چند جانبه‌گرایی» است، به مفهوم کلمه چند جانبه‌گرایی و تاریخ تحول آن پرداخته و علل توجه به این پدیده در نزد استادان روابط بین‌الملل را مورد کنکاش قرار داده است. «رُوگی» در اصل به مباحث تحلیلی و تاریخی مفهوم می‌پردازد و تلاش می‌کند تا علت و اهمیت فراوان طرح چند جانبه‌گرایی را در دنیای امروز نشان دهد. در اصل، کار «رُوگی» مقدمه‌ای است بر کار و تحقیق دیگران که تلاش کرده اند تا از جنبه‌های مختلف، زمینه نسبتاً کاملی از بحث را به خوانندگان ارائه نمایند.^۵

در بخش دوم، در قالب «مباحث تئوریک»، دو مقاله، تحت عنوان «تئوری روابط بین‌الملل و چند جانبه‌گرایی- جستجو برای یافتن بنیادها» به قلم «جیمز کاپوراسو»^۶ و «حالت عقلایی حق انتخاب چند جانبه‌گرایی» به قلم «لیسا مارتین»^۷ به رشته تحریر درآمده است. مقاله اول، بر این مسئله تأکید دارد که چند جانبه‌گرایی، در تئوری روابط بین‌الملل مورد عنایت قرار نگرفته است و او دلایل مسئله مزبور را بررسی می‌کند. مقاله دوم، با بررسی تئوریهای ریاضی گونه در روابط

بین الملل، شبیه تئوری بازی، به تفاوت بین مسائل هماهنگی و همکاری پرداخته و تلاش می نماید تا نشان دهد که طبیعت روابط استراتژیک مورد نظر، نقش بسزایی بین روابط بین نهادها، اصول و رفتار بازیگران دارد.

مبحث سوم، شامل چهار مقاله است و عنوان کلی محتوای داخلی را دربردارد. در این بخش، «آن ماوی برلی»^۸ در مقاله ای تحت عنوان: «نظم بخشیدن به جهان: چند جانبه گرایی، حقوق بین الملل و مطرح کردن نظام خودسازمانی قرارداد جدید (معامله جدید)»^۹ به تفسیر مسئله داخلی پرداخته و معتقد است که کشورهای بزرگ و صنعتی جهان باید در جهت ایجاد

نظم بین المللی، سیاستهای داخلی خود را نهادینه کرده و با یکدیگر مطابقت دهند و قانون جهانی را حاکم نمایند. (نهادینه کردن قانون و بخصوص حقوق بین الملل).

«پیتراف کوهی»^{۱۰} در مقاله دوم، تحت عنوان «محلی انتخاب کنید- جهانی دستور دهید سیاستهای داخلی و همکاریهای چند جانبه»،^{۱۱} به سه مسئله در ارتباط با چند جانبه گرایی می پردازد:

چند جانبه گرایی، تعهدات و فرصتهای زیادی را دربر دارد که آنها را نمی شود از قبل به طور مشخص و مدون بیان داشت، زیرا اولاً کارآیی چند جانبه گرایی مخدوش خواهد شد. ثانیاً، مسئله سلسله مراتب در نظام چند جانبه گرایی موجب مشکل می شود. ثالثاً، چند جانبه گرایی و نظام مربوط به آن، زمانی تقویت می شود که به طور تنگاتنگ با سیاستهای داخلی قدرتهای حاکم و یا برتر مطابقت داشته باشد. کوهی بحث خود را در مورد ژاپن مطرح می کند و معتقد است که آمریکا به جای جدال بر سر مسائل تجاری، باید به تلاش در تغییر ساختارها و نهادهای داخلی ژاپن پردازد.

«جو دیس گلد استین»^{۱۲} در مبحثی تحت عنوان: «ایجاد مقررات گات: سیاستها، نهادها و سیاست آمریکا»^{۱۳} بر سه محور اصلی اشاره دارد: (۱) ایجاد گات، ناشی از قدرت و سیاست آمریکا بود. (۲) آمریکا برای اولین بار جهان چند جانبه گرای پس از جنگ (جنگ سرد) را متصور ساخته بود. (۳) سیاست این کشور موجب شد که برخی از افراد در وزارت خارجه آمریکا به مذاکرات

چند جانبه بپردازند که نتیجه این مذاکرات، منشور «سازمان تجارت بین المللی»^{۱۴} و «گات» را پدید آورد. «گلد استین» بر این ادعا است که آمریکا موتور حرکت چند جانبه گرایی در نظام بین الملل بوده و برای اثبات آن، ارقام و اطلاعات لازم را ارائه می کند.

مبحث چهارم در بخش سوم (محتوای داخلی) را «استیووبر»^{۱۵} تحت عنوان: «شکل دادن به توازن قوای پس از جنگ: چند جانبه گرایی در ناتو»^{۱۶} به رشته تحریر درآورده و به مورد ناتو به عنوان یک نمونه عینی توجه کرده است. او به تفصیل به تاریخچه ناتو و تحول آن پرداخته و سازمان مزبور را مستثنای از دیگر سازمانهای امنیتی می داند و علت بقای آن را پس از فروپاشی شوروی سابق، مورد کنکاش قرار داده است. پویایی ناتو و علاقه کشورهای کمونیستی سابق برای پیوند به آن، مورد تأکید و بر است.

بخش چهارم کتاب حاضر، تحت عنوان تغییر و تحول بین المللی، چهار زیربخش را دربرمی گیرد: درمبحث اول، تحت عنوان «چند جانبه گرایی با تعداد کم و

زیاد، «مایلز کاهلر»^{۱۷} به حل معضلات دسته جمعی در دوران بعد از جنگ (جنگ سرد) از طریق همکاریهای در سطح بسیار کوچک قدرتهای بزرگ تحت قالب نهادهای بین المللی، اشاره دارد و به تجزیه و تحلیل آن می پردازد. کاهلر بر این اعتقاد است که از طریق همکاری در سطح بسیار کوچک در حوزه های مالی، قدرتهای بزرگ استیلای خود را حفظ خواهند کرد. همکاری و سازش چند جانبه بین قدرتهای بزرگ، روند اصلی پس از جنگ سرد بوده و خواهد بود.

مبحث دوم (زیر بخش دوم)، به قلم «پاتریک ام. مورگان» تحت عنوان «چند جانبه گرایی و امنیت: چشم انداز اروپا»^{۱۸} به مشکلات اروپا در به کارگیری چند جانبه گرایی در راستای حفظ و حراست از امنیت اشاره دارد و می نویسد که اروپا باید در مدتی کوتاه و به دفعات درنگش خود نسبت به مسائل امنیتی تعدیل نماید: اتحاد دو آلمان، انحلال پیمان ورشو و از بین رفتن اتحاد جماهیر شوروی سابق، هر کدام اروپا را در مسیری جدید قرار داده است. مشکل اصلی اروپا قبلاً بر این اصل بود که تهدید

نقش هدایت کننده فرانسه و آلمان در شکل دادن هرچه بیشتر بازار مزبور توجه خاص دارد و در کل، سیاست قدرت را در تمامی فراز و نشیبهای جامعه اروپا (اتحادیه اروپا) پُررنگ و تأثیر گذار تلقی می کند.

«مارک. دیپلو. زاچر»^{۲۰}، تحت عنوان «سازمانهای چند جانبه گرا و نهاد چند جانبه گرایی؛ توسعه رژیمهای غیرزمینی (هوایی - دریایی)»^{۲۱}، به این مطلب می پردازد که توسعه رژیمهای غیرزمینی، بدون سازمانهای چند جانبه گرا، امکان پذیر نبوده و اهمیتی که پیدا کرده اند، دقیقاً ناشی از قدرت یابی چند جانبه گرایی، پس از پایان دوران جنگ جهانی دوم است. او در خصوص حقوق دریاها، اشاره می کند که مذاکرات مربوط به آن کلاً در قالب سازمانهای مربوط به سازمان ملل انجام گرفته است.

«زاچر» درباره رژیمهای غیرزمینی تأکید دارد که بدون همکاریهای چند جانبه، امکان توسعه آنها وجود نداشت، زیرا که منابع غیرزمینی به عنوان منابع مشترک و همگانی تلقی می شوند. تصمیمات، به همان علت کمتر دارای سلسله مراتب بوده و کشورهای

جدی، غالباً ناشی از منازعات بین کشوری بوده است و باید از طریق مناسبات دول به حل و فصل آن پرداخت. ولی پس از پایان جنگ سرد، تهدید اصلی، داخلی بوده و ناشی از روبه زوال گذاردن نظامهای داخلی است. «مورگان»، در این بخش، به عوامل داخلی به عنوان مهمترین عوامل شکل دهنده به چند جانبه گرایی در اروپا می پردازد و بر این نظر است که پس از این، در جهت درک بهتر از همکاریهای بین المللی، باید به طور کامل تحلیلی از اوضاع و احوال داخلی را در تحلیل نهایی گنجاند.

مطلب سوم از بخش چهارم، تحت عنوان «همکاریهای بین المللی و حق انتخاب سازمانی؛ بازار داخلی جامعه اروپا»^{۱۹} می باشد؛ در این بحث، «جفری گارت» به تمایز بازار داخلی جامعه اروپا نسبت به رژیمهایی که عمدتاً در روابط بین الملل مورد مطالعه قرار می گیرند، اشاره می کند و به تجزیه و تحلیل آن می پردازد. وی بر این اعتقاد است که تئوریهای غیرمتعارف همکاریهای بین المللی، برای تحلیل بازار داخلی مناسب نیستند. او به

کوچک قادرند که در قالب ائتلافهای کوچک، اهداف خود را دنبال کنند و صاحب نفوذ در این رژیمها باشند. موفقیت کشورهای کوچک با تأکید بر مرزهای آبی محدوده و حق استفاده اقتصادی مطلق^{۲۲} کاملاً ناشی از مسائل گفته شده است.

بخش پنجم که از یک مقاله تشکیل شده، تحت عنوان «بازگشت و تأکید مجدد بر تئوری»^{۲۳}، نوشته شده است. در این بحث، «فردریش کراتوچویل»^{۲۴} از صاحب نظران طراز اول بحث چند جانبه گرایی، در مقاله ای تحت عنوان «هنجارها در مقابل اعداد: چند جانبه گرایی و رهیافتهای عقلانی و واکنش نسبت به نهادها- تقاضایی یک جانبه برای عقل گرایی ارتباطی»^{۲۵} به جمع بندی کلی مقالات ارائه شده در کتاب پرداخته و به مشترکات مقالات ارائه شده عنایت دارد. «کراتوچویل» چند جانبه گرایی را فرایند اصلی جهان بعد از جنگ سرد تلقی کرده و اعتقاد دارد که چند جانبه گرایی در مدتی نه چندان طولانی، جای روابط دو جانبه و توازن قوا را خواهد گرفت. نمونه های بارزی که وی اشاره دارد، عبارتند از: سازمان گات (وحال

«سازمان تجارت جهانی»^{۲۶})، نهادهای پولی و بانکی جهان، گرایش شدید به منطقه گرایی، ایجاد رژیمهای امنیتی، تداوم همکاریهای بین المللی. وی کلاً بر این عقیده است که از طریق چند جانبه گرایی، جهان هر روز به دهکده ای کوچکتر مبدل شده و سازمانهای تشکیل شده از بیش از دو کشور در مناطق خود به اعمال نفوذ و ایجاد ثبات پرداخته اند و بالاخره این که، در آینده به علت رشد فزاینده چند جانبه گرایی، صلح پایدارتری بر جهان سایه افکن خواهد شد و تکرورها به شدت کاهش خواهد یافت.

چند جانبه گرایی، به عللی که نویسندگان کتاب حاضر توضیح می دهند، فرایند اصلی مناسبات امروزی در جهان است و ما هر روز شاهد اشراف هر چه بیشتر چند جانبه گرایی در سطح هستیم که گاه می تواند به زیان کشور و یا کشورهای منجر شده و موجب شود که احساس کنند که توطئه ای علیه آنها انجام گرفته است (مورد ایران و فشارهای امریکا و کشاندن اروپا به قضیه تحریم ایران و مهار دو گانه و...). گاه می تواند کاربرد مثبت داشته باشد (مورد آسه. آن و چین در ارتباط با «سلسله جزایر

Theory and Multilateralism: The Search for Foundations.

7. Liso L. Martin. The Rational State Choice of Multilateralism.

8. Anne Marie Burley

9. Regulating the World: Multilateralism, International Law and the Projection of the New Deal Regulatory State.

10. Peter F. Couhey.

11. Elect Locally - Order Globally - Domestic Politics and Multilateral Cooperation.

12. Judith Goldstein

13. "Creating the GATT Rules: Politics, Institutions, and American Policy.

14. International Trade Organization

15. Steve Weber

16. Shaping the Postwar Balance of Power: Multilateralism in NATO.

17. Miles Kahler: "Multilateralism with small and large numbers".

18. Patrick M. Morgan: Multilateralism and Security: Prospects in Europe."

19. Geoffrey Garrett: "International Cooperation and Institutional Choice: The European Community's Internal Market".

20. Mark. W. Zacher

21. Multilateral Organizations and the Institution of Multilateralism: The Development of Regimes for Nonterrestrial Spaces".

22. Exclusive Economic Zones (EEZs).

23. Theoretical Reprise

24. Friedrich Kratochvil

25. Norms Versus Numbers: Multilateralism and the Rationalist and Reflexivist Approaches to Institutions: A Unilateral Plea for Communicative Rationality

26. World Trade Organization (WTO)

27. Spratly Islands Chains

28. Behzad Shahandeh. "The Case for Constructive Disengagement" (ASEAN and Cambodior" Iran News, July 22nd, 1997.

اسپراتلی،^{۲۷} که چهار کشور عضو آسه آن، یعنی فیلیپین، برونئی، مالزی و ویتنام نسبت به ادعای جمهوری خلق چین در خصوص مالکیت کل جزایر مزبور، با یکدیگر اشتراک نظر پیدا کرده و مابقی آسه آن را با خود همراه کرده اند، به طوری که آسه آن به عنوان ید واحد در مقابل چین ایستاده و مانع از آن شده است که چین به طور منفرد به مقابله با تک تک کشورهای مدعی بپردازد. و یا بالاخره مثبت است، زمانی که آسه آن، تصمیم به عدم پذیرش کامبوج گرفت (به علت کودتا در آن کشور) و در تلاش برآمد که جایزه و یا هدیه حضور در آسه آن را موکول به تعدیل قدرت و همکاری بین گروههای متخاصم در کامبوج نماید.^{۲۸}

دکتر بهزاد شاهنده

پی نوشت:

1. ASEAN Regional Forum (ARF)

2. Non-Proliferation Treaty (NPT)

3. Robert Keohane

* به کتاب وی تحت عنوان نهادهای بین الملل و قدرت کشوری مراجعه کنید (International Institutions and State power - 1989)

4. Nation- State

5. John Gerard Ruggie - The Antinomies of Interdependenc: National Welfare and International Division of Labor (Columbia University Press, 1989).

6. James A. Caporaso, International Relations